

هنوز جوابی به آن داده‌نشده‌است. باید منتظر ماند تا برآورد رسمی از میزان خسارات وارده به این تأسیسات و همچنین قابلیت استمرار استفاده از آنها اعلام شود. با این حال حملات نظامی خارجی به این تأسیسات نشان داد که دو مرکز موجود غنی‌سازی ایران در مقابل تهاجم خارجی آسیب‌پذیر هستند. اما ایران همچنان یک گزینه دیگر نیز برای ازسرگیری برنامه هسته‌ای خود دارد. ایجاد یک مرکز جدید غنی‌سازی که آسیب‌پذیری کمتری در برابر حملات خارجی داشته‌باشد و سانتریفیوژهای مدرن خود را در آن نصب کند.

▼ مرکز سوم غنی‌سازی

ساخت مرکز جدید غنی‌سازی اورانیوم، دقیقاً مسئله‌ای بود که درست چند ساعت قبل از تجاوز نظامی اسرائیل علیه ایران اعلام شد. پنج‌شنبه، ۲۲ خرداد، درست چند ساعت پیش از آغاز تجاوز نظامی اسرائیل به ایران، پس از آنکه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به قطعنامه پیشنهاد سه قدرت اروپایی و آمریکا در محکومیت ایران رای داد، ایران تعدادی اقدام‌های تلافی‌جویانه را در قبال این قطعنامه به آژانس اعلام کرد. دو گام اصلی اعلام‌شده از سوی ایران نخست جایگزینی کلیه سانتریفیوژهای نسل قدیمی IR-۱ با سانتریفیوژهای مدرن IR-۶ بود و گام دوم اعلام ایجاد تأسیسات سوم غنی‌سازی اورانیوم در خاک ایران. روز ۲۲ خرداد، بهروز کمالوندی، سخنگوی سازمان انرژی اتمی ایران گفت: «بالفاصله پس از صدور قطعنامه تحمیلی و ظالمانه شورای حکام، پرسشنامه طراحی (DIQ) مربوط به دو اقدام مشخص و مؤثر به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ارائه شد. یکی از این اقدامات، راه‌اندازی سایت سوم امن غنی‌سازی است که به‌عنوان سومین مجتمع غنی‌سازی کشور، از ضریب امنیتی بسیار بالایی برخوردار است و اهمیت راهبردی دارد. علاوه بر این، ماشین‌های نسل اول مستقر در مجتمع غنی‌سازی شهید دکتر علی‌محمدی در فردو با ماشین‌های پیشرفته نسل ششم جایگزین می‌شوند. این اقدام به‌معنای افزایش چشمگیر تولید مواد غنی‌شده خواهد بود.» محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی هم با اشاره به قطعنامه مورخ ۲۲ خرداد شورای حکام آژانس گفت: «در واکنش به این اقدام غیرحقوقی، سیاسی و افراطی‌گری طرف مقابل، ایران به یاری خداوند سومین سایت غنی‌سازی خود را راه‌اندازی خواهد کرد. این سایت ساخته و آماده شده است و مکانی امن و غیرقابل آسیب است. بالفاصله پس از صدور قطعنامه، اطلاع‌رسانی لازم به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انجام شده و عملیات تجهیز و نصب ماشین‌های سانتریفیوژ آغاز خواهد شد. به محض شروع نصب ماشین‌ها، فعالیت غنی‌سازی در این سایت جدید آغاز می‌شود. ماشین‌های مورد استفاده در این سایت، جایگزین ماشین‌های نسل اول خواهند شد که در گذشته جمع‌آوری شده‌اند و با نصب سانتریفیوژهای پیشرفته، این فرآیند ادامه خواهد یافت.»

▼ از تأسیسات سوم هسته‌ای ایران چه می‌دانیم؟

جمهوری اسلامی ایران تا به امروز از انتشار هرگونه اطلاعاتی در مورد مرکز جدید غنی‌سازی اورانیوم خودداری کرده‌است. اما آنچه تاکنون در مورد این تأسیسات در رسانه‌های عمومی بیان شده است نشان می‌دهد که مرکز جدید بسیار مستحکم‌تر و در عمقی بسیار بیشتر از تأسیسات فردو ایجاد شده‌است. به گفته یک کارشناس مسائل بین‌الملل در صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران، اگرچه در مورد تأسیسات قبلی، یعنی نطنز و فردو، برخی ملاحظات پدافند غیرعامل در نظر گرفته نشده‌بود، این بار در تأسیسات جدید کلیه



پدافند غیرعامل برای حفاظت از این تأسیسات در مقابل خرابکاری و حملات خارجی پیش‌بینی شده‌است. هیچ اطلاعاتی در مورد محل قرار گرفتن این تأسیسات در خاک ایران، مساحت و ظرفیت غنی‌سازی آن و زمان آغاز به کارش تاکنون منتشر نشده‌است. در عین حال مشخص نیست که آیا رژیم‌های متخاصم، اطلاعاتی در مورد این تأسیسات دارند یا نه و در دوران تجاوز ۱۲ روزه اسرائیل به ایران حمله‌ای به محل قرار گرفتن این تأسیسات انجام شده‌است یا نه. به نظر می‌رسد که محل این تأسیسات جدید هنوز به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم اعلام نشده‌است، چراکه همواره بلافاصله بعد از اعلام آغاز به کار تأسیسات جدید، مدیرکل آژانس در بیانیهای خطاب به شورای حکام اطلاعات مرتبط با تأسیسات جدید را خبر می‌دهد. به نظر می‌رسد که با توجه به تجربه‌های پیشین از درز کردن اطلاعات از طریق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و همچنین نگرانی‌هایی که حملات اخیر اسرائیل و آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران ایجاد کرد، تهران علاقه‌ای نداشته‌باشد به این‌ودی‌ها اطلاعاتی علنی در مورد این تأسیسات هسته‌ای منتشر کند. هرچند بر اساس کد ۳/۱ (اصلی مصوب ۱۹۷۶) ترتیبات پادمان ایران باید ۱۸۰ روز قبل از ورود مواد شکافت‌پذیر به تأسیسات جدید، طراحی و محل این تأسیسات را به آژانس گزارش کند، اما مشخص نیست که با توجه به تصویب قانون «تعلیق همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» که چهارشنبه هفته گذشته توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شد و یک روز بعد با تأیید شورای نگهبان به شکل قانون درآمد و برای اجرا به رئیس‌جمهور ابلاغ شد، آیا ایران تمایلی به اجرای این ترتیبات پادمانی دارد یا نه.

اما علاوه بر این، یک مشکل دیرپای دیگر هم میان ایران و آژانس در مورد اجرای کد ۳/۱ ترتیبات پادمانی وجود دارد، ایران همواره تأکید کرده‌است که فقط به الزامات کد اصلی پایبند است و الزامات کد اصلاحی که از دهه ۱۹۹۰ وارد ترتیبات پادمانی آژانس شد، شامل حال ایران نمی‌شود. هرچند ایران بر اساس پاراگراف ۶۵ ضمیمه اول برجام پذیرفته‌بود که تمامی الزامات کد ۳/۱ اصلاحی را در چارچوب برجام بپذیرد، اما مدت‌هاست که ایران در چارچوب اقدام‌های جبرانی در واکنش به خروج آمریکا از برجام، بخش‌های زیادی از تعهدات خود را بر اساس این توافقنامه متوقف کرده‌است. بر اساس کد ۳/۱ اصلاحی، کشورها باید در لحظه اتخاذ تصمیم برای ایجاد تأسیسات جدید اطلاعات طراحی آن را در اختیار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دهند. این کد اصلاحی بعد از کشف برنامه پنهانی هسته‌ای عراق در ابتدای دهه ۱۹۹۰ اتخاذ شد. کد ۳/۱ با این هدف اصلاح شد که با دادن زمان بیشتر به آژانس برای اطلاع از تأسیسات جدید، آژانس فرصت به‌روزرسانی ترتیبات و توافق‌نامه‌های پادمانی برای نظارت مؤثر بر این تأسیسات را داشته‌باشد. سال ۲۰۰۲، زمانی که سازمان مجاهدین خلق (منافقین) وجود تأسیسات نطنز را افشا کرد، شورای حکام آژانس ایران را متهم کرد که بر اساس کد ۳/۱ اصلاحی، تعهدات پادمانی خود را برای اعلام این تأسیسات زیر پا گذاشته‌است. در آن زمان استدلال ایران این بود که ایران متعهد به کد اصلاحی نیست و بر اساس کد اصلی درست ۱۸۰ روز پیش از ورود مواد شکافت‌پذیر به این تأسیسات، وجود آن را به آژانس اطلاع داده‌است.

حالا به نظر می‌رسد که بار دیگر این دعوای قدیمی میان ایران و آژانس از سرگرفته‌شود، چراکه مقام‌های سازمان انرژی اتمی گفته‌اند که تأسیسات سوم هسته‌ای ایران «ساخته و آماده شده‌است»، شواهدی وجود ندارد که ایران تصمیم خود را برای ساخت این تأسیسات قبلاً به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرده‌باشد.

▼ اثر از سرگیری برنامه هسته‌ای بر مذاکرات احتمالی

از اظهارنظرهای علنی ترامپ اینگونه بر می‌آید که ایالات متحده آمریکا چشم‌انداز مذاکرات احتمالی بعدی با ایران را بر مبنای ادعای تخریب کامل برنامه غنی‌سازی ایران و از سرگرفته نشدن این برنامه طراحی کرده‌است. این پیش‌فرض دونالد ترامپ با اظهارنظرهای علنی مقام‌های ایران مبنی بر از سرگیری فوری برنامه غنی‌سازی ایران در تناقض است. این اختلاف نظر میان تهران و واشنگتن باعث خواهد شد که مذاکرات احتمالی بعدی میان ایران و آمریکا بسیار پیچیده‌تر از گذشته باشد. آمریکا اکنون با این پیش‌فرض پای میز مذاکره می‌آید که برنامه غنی‌سازی ایران متوقف شده و هرگز نباید از سرگرفته‌شود، درحالی‌که ایران همچنان کلیه شروط قبلی خود را برای توافق حفظ کرده‌است. اظهارات اخیر امیرسید ابروانی، نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد، در مصاحبه مکتوب با المانی‌تور که از آمادگی تهران برای ارسال ذخایر اورانیوم ۲۰ و ۶۰ درصد به خارج از کشور تحت شرایط خاص و در صورت رسیدن به توافق سخن گفته‌بود، نشان می‌دهد که تهران نگهداری از ذخایر اورانیوم ۳/۶۷ درصد و تولید سوخت در این سطح را حتی در صورت رسیدن به توافق نیز همچنان حق خود می‌داند و حاضر به کوتاه آمدن از آن نیست.

در برابر کشور‌های اروپایی نیز هر چند بر استمرار مذاکرات با جمهوری اسلامی ایران اصرار می‌کنند، اما همواره تأکید دارند که این مذاکرات باید با حضور طرف آمریکایی انجام شود. اروپایی‌ها کاملاً می‌دانند که بدون حضور آمریکا هیچ توافقی با تهران عملی نخواهد شد. اما با گذر زمان و نزدیک شدن موعد نهایی آغاز فرآیند مکانیسم حل اختلاف برجام، به عنوان آخرین اهرم سه کشور اروپایی طرف بر جام برای تحت فشار قرار دادن تهران، اروپایی‌ها ممکن است این مکانیسم را فعال کنند. تهران قبلاً به طرف‌های اروپایی هشدار داده‌است که چنین اقدامی با واکنش سخت تهران مواجه خواهد شد. این گمانه‌زنی مطرح شده‌است که در صورت اقدام اروپایی‌ها به فعال‌سازی مکانیسم حل اختلاف که نهایتاً به بازگشتن ۶ قطعنامه شورای امنیت علیه ایران منتهی می‌شود، ایران از پیمان عدم اشاعه هسته‌ای خارج خواهد شد و کلیه نظارت‌های آژانس بر برنامه هسته‌ای ایران لغو خواهد شد.

با پدید آمدن ابهام هسته‌ای، از جمله تصویب قانون تعلیق همکاری‌های ایران و آژانس، پنهان ماندن میزبان و محل نگهداری ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران و ایجاد مرکز جدید غنی‌سازی در محلی ناشناخته و به گفته مقام‌های ایرانی ایمن‌تر از تأسیسات غنی‌سازی فردو، چشم‌انداز آینده مذاکرات هسته‌ای چندان روشن نیست. ایران می‌تواند از ابهام و پنهانکاری برای تحت فشار قرار دادن طرف‌های مقابل استفاده کند و طرف‌های دیگر هم ابزارهایی برای تحت فشار قرار دادن ایران از جمله فعال‌سازی مکانیسم حل اختلاف برجام و بازگرداندن قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت و همچنین تکرار حمله نظامی به ایران در اختیار دارد. در چنین شرایطی احتمال توافق میان ایران و طرف‌های غربی نسبت به گذشته بسیار کمتر شده‌است، مگر اینکه تغییری اساسی در مطالبات یکی از طرفین ایجاد شود، یعنی اینکه با ایران از حق غنی‌سازی در خاک خود کاملاً چشم‌پوشی کند یا آمریکا حاضر شود که حق ایران برای غنی‌سازی در سطح پایین و نگهداری از میزان مشخصی ذخایر اورانیوم غنی‌شده را بپذیرد.

نگاه دیپلمات

درباره ضرورت هسته‌های مقاومت چندمنظوره

آمادگی برای جنگ بلندمدت

تلفیقی و با ذخیره‌سازی‌های محلی و بدون ایجاد موج تنش و اضطراب به سمت تاب‌آوری پایدار هدایت شوند تا بدون دغدغه امکان دسترسی به زنجیره‌های کالاهای اساسی خود را داشته باشند.

سازماندهی مردم در قالب هسته‌های مقاومت چندمنظوره با الگوهای چندلایه انعطاف‌پذیر و انطباق‌پذیر با شرایط نامعین و زیر آتش دشمن از شروط اساسی تاب‌آوری مردم در برابر هجوم شرارت‌بار دشمن است. گرچه برای این ماموریت مهم سازمان‌های رسمی مانند پدافند غیرعامل و بسیج هم وجود دارند؛ ولی مسئله اصلی فراگیر بودن و اقبال عمومی و مشارکت مردم در فضای وفاق و همدلی و انسجام ملی است. لذا تجربه تلفیق سیستم هوشمند و نهادهای مردم‌پایه می‌تواند یک الگوی موفق و مؤثری را در شرایط سخت احتمالی پیش رو از خود نشان دهد. از قدیم نهادهایی مثل بسیج، مساجد، هیئت‌های مذهبی و جمعیت‌های خیریه تجارب موثقی را در این زمینه از خود نشان داده‌اند که الان با کمک دولت می‌توان این سازوکارها را هوشمند کرد. در این راستا سیاست‌هایی نظیر اعطای اختیارات کافی به استانداران و تمرکز بر راهبرد محله‌محور می‌تواند در این رابطه کارگشایی مهمی را ایجاد کند. برای اجرای این سیستم یک زیرساخت هوشمند و ایجاد بانک اطلاعات مردمی از کل به جز و از استان تا شهر و روستا و محله به محله لازم است.

بدون شک انجام این وظیفه مهم یک مشارکت جدی و همگانی را می‌طلبد و دولت به تنهایی قادر به انجام آن نیست. هر فرد ایرانی با هر نوع گرایش سیاسی و مذهبی و سلیقه‌ای باید با نمایش وحدت اقتدار آفرین در این هسته‌های مقاومت نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. درپایان ذکر این نکته ضروری است که اهمیت لجستیک مردم قطعاً از لجستیک جنگ اگر بیشتر نباشد کمتر نیست.

دیپلمات‌ها



نامه به سازمان ملل و شورای امنیت

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه، پیرامون مسئولیت‌های رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا در پی حملات آنان به ایران به دبیرکل و رئیس شورای امنیت سازمان ملل متحد نامه نوشت. در نامه آمده است: «بدین‌وسیله مراتب ضرورت ایفای مسئولیت اولیه‌ی شورای امنیت ملل متحد در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را یادآور می‌شود.» در این نامه با مرور آسیب‌های وارده‌شده به اهداف غیرنظامی در ایران، تصریح شده است: «این حملات یک‌جانبه علیه ایران ناقض شماری از قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل می‌باشند، از جمله: حق حیات مندرج در ماده‌ی ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ ممنوعیت بین‌المللی توسل به زور، موضوع بند ۴ ماده‌ی ۲ منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل عرفی (قطعنامه‌ی شماره ۲۶۲۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد (دوره بیست‌وپنجم، ۱۹۷۰): اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل مربوط به روابط دوستانه)، که دارای جایگاه قواعد آمره می‌باشند؛ ممنوعیت تجاوزگری (قطعنامه‌ی شماره ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد (دوره بیست‌ونهم، ۱۹۷۴): تعریف تجاوز)؛ تعهد به عدم مداخله در امور داخلی دولت دیگر (قطعنامه‌ی شماره ۲۶۲۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد (دوره بیست‌وپنجم، ۱۹۷۰): اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل مربوط به روابط دوستانه)؛ تعهد به احترام به حاکمیت دولت دیگر؛ حق ملت ایران بر تعیین سرنوشت خویش، موضوع بند ۲ ماده‌ی ۱ منشور ملل متحد و بند ۱ مشترک ماده‌ی ۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.» در این نامه تأکید شده است چشم‌پوشی از این اقدام «به‌نحوی جدی اعتبار نظام ملل متحد را تضعیف نموده، تهدیدی واقعی علیه حاکمیت قانون در عرصه‌ی بین‌المللی ایجاد می‌نماید، و موجبات بی‌قانونی در آینده‌ی روابط بین‌الملل در منطقه‌ی ما و در جامعه‌ی جهانی را فراهم می‌سازد.»



ادامه انتقادات تند از گروسی

محمد اسلامی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی، در پیامی خطاب به مردم ایران، ضمن تقدیر از «شجاعت، نجابت و ایستادگی» آنان اشاره کرده است: «تهاجم رژیم صهیونیستی و آمریکا و تخریب تأسیسات هسته‌ای کشور، در مرکزی صورت گرفته که همگی تحت نظارت کامل و دائمی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دارند. این حملات، پیش از آن‌که تعرض به صنعت بومی جمهوری اسلامی ایران باشد، نقض آشکار نظام حقوقی و قواعد بین‌الملل به‌شمار می‌رود؛ و تأسفقاتر آن که مدیرکل دست‌نشانده‌ی آژانس، برخلاف قوانین و اساسنامه‌ی این نهاد بین‌المللی، از محکوم کردن این اقدام جنایت‌کارانه سر باز زده است.» در همین رابطه، سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه ایران نیز در ایکس نوشت، تصمیم مجلس به توقف همکاری با آژانس «نتیجه مستقیم نقش تأسفبارافاتل گروسی در پنهان‌کاری این واقعیت است که آژانس، یک دهه پیش، تمام مسائل گذشته را رسماً مختومه اعلام کرده بود. او با این اقدام مغرضانه، مستقیماً زمینه را برای تصویب قطعنامه‌ای با انگیزه سیاسی علیه ایران در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فراهم کرد، و همچنین حملات غیرقانونی اسرائیل و آمریکا به سایت‌های هسته‌ای ایران را تسهیل نمود.» وزیر امور خارجه ایران تأکید کرد: «رافاتل گروسی علاوه بر این، به شکلی حیرت‌آور و برخلاف وظایف حرفه‌ای خود، از محکوم کردن صریح چنین نقض‌های آشکار مقررات پادمانی آژانس و اساسنامه آن سر باز زده است.» وی ادامه داد: «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و مدیرکل آن، مسئول کامل این وضعیت نفرت‌انگیز هستند. اصرار رافاتل گروسی بر بازدید از سایت‌های بمباران‌شده تحت عنوان نظارت پادمانی، بی‌معناست و حتی می‌تواند دارای نیت سوء باشد.»